

شهید جهانبخش جعفری




ازتبار علی
سازمان جامع سوادداری و وزارت معیاد استان بوشهر

اسماعیل	نام پدر
۱۳۳۷/۰۱/۰۱	تاریخ تولد
بوشهر - تنگستان	محل تولد
۱۳۶۶/۰۹/۱۹	تاریخ شهادت
خلیج فارس	محل شهادت
—	مسئولیت
سایر (بمباران)	نوع عضویت
شرکت نفت	شغل
دیپلم	تحصیلات
بنه گز	مدفن

زندگینامه

خانواده ای با ایمان و مذهبی در شهر آبادان پا به عرصه وجود گذاشت تا یکی از هزاران شهیدی باشد که جان شیرین خود را فدای اسلام و میهن خویش نماید. او ۷ ساله بود که وارد مدرسه ابتدائی فرهنگ در شهر آبادان گردید و پس از طی دوره ابتدائی دوره ۳ ساله راهنمائی را در آموزشگاه ابن سینا در همان شهر آغاز نمود.

دروان نوجوانی و جوانی او با آغاز حرکتهای انقلابی مردم ایران در مقابل رژیم ستم شاهی همزمان گشت و وضعیت شهر آبادان و آتش سوزی سینما رکس و قیام مردم آن سرزمین، جهانبخش را وارد عرصه مبارزات و پخش اعلامیه های حضرت امام خمینی (ره) نمود به همین دلیل توسط مامورین شهربانی دستگیر و روانه بازداشتگاه شد که با وساطت خانواده و سایر دوستانش از بند مامورین نجات پیدا می کند.

سال دوم دبیرستان جهانبخش، آغاز یورش دشمن خصم به رهبری آمریکا و مهره دست نشانده خود در عراق (صدام) به سرزمین شیران او را با خانواده به ناچار به روستای بنه گز از توابع شهرستان تنگستان می کشاند پس از این مهاجرت جهت ادامه تحصیل دبیرستان سعادت بوشهر را برای تحصیلات خود انتخاب می کند و تا سال سوم رشته فرهنگ و ادب ادامه تحصیل می دهد ولی مشکلات مالی او را از ادامه درس باز می دارد. (گرچه در سالهای بعد ادامه تحصیل می دهد و دیپلم خود را دریافت می کند).

در سال ۱۳۶۱ وارد عرصه دریا و آن هم شرکت ملی نفت ایران در بخش نفتکشا می شود با توجه به استعدادهای درونی و نیز شایستگی های فراوانش در محیط کار برای گذراندن دوره آموزشی در زمینه دریانوردی به کشور انگلستان اعزام می شود. این دوره را طی ۶ ماه در یکی از بندرهای آن کشور سپری می کند و سپس وارد کشور می شود آنگاه جهت تکمیل کار آموزشی خود بمدت ۳ ماه دیگر به شهر انزلی در استان گیلان اعزام می گردد.

با تکمیل این دوره ها به کشتیهای نفتکش که مقصد آنان برون مرزی و هدف آن صدور نفت ایران به کشورهای خواهان نفت بود وارد شد. اولین کشتی که سفر جهانبخش با آن آغاز می شود نفتکش ایران سوسنگرد بود. این کشتی غول پیکر که در آن شهید جعفری مشغول خدمت بود در دو مرحله مورد هدف دشمن قرار گرفت که در مرحله اول شهید از ناحیه پا مجروح می گردد و پس از بهبودی و رفع مجروحیت بار دیگر تلاش و فعالیت خود را از سر می گیرد و بخاطر خدمات صادقانه اش از طرف مسئولین و درخواست ارتقا^۱ درجه به ملوان یکی می شود که به این درجه نایل می گردد.

در ۱۹ آذرماه ۱۳۶۶ بود که کشتی آنان که قصد صدور نفت برای بیرون مرزهای آبی می داشت توسط هلی کوپترهای دشمن [۱] در مطاف مورد هدف قرار می گیرند. تا رسیدن کمک به کشتی مورد حمله قرار گرفته زمان زیادی طول می کشد و تنها راه نجات سرنشینان قایقهای نجات متصل به کشتی بوده که این کار توسط شهید و برخی از همراهان وی در آن در حادثه ناگوار صورت می گیرد در حالیکه سعی وافر جهانبخش برای نجات دیگران ادامه داشته و نجات دیگران را بر نجات خود ترجیع می دهد. آخرین کسی که از کشتی خود را به دریا پرت می کند آن شهید بزرگوار است. شیرجه ملکوتی این انسان وارسته به دریا همان و غوطه ور شدن او در دریا همان. او رفت ولی خاطرات و یاد رشادتهای این سرباز مرزهای آبی در خلیج همیشه فارس جاوید خواهد ماند. روحش شاد و راهش پر دوام بادا.

سجایای اخلاقی شهید جهانبخش جعفری

- ۱- گفتارش آمیخته به مهربانی بود
- ۲- در اعتقادات خود فردی قوی دل بود و وسوسه دیگران او را از اعتقاد و عمل به دین دور نمی کرد
- ۳- تواضع و فروتنی همراه با خداترسی
- ۴- شجاعت و پایداری در راه ایده و اعتقادات مذهبی خود
- ۵- اعتقاد راسخ به ولایت فقیه و مجاهدت در این راه
- ۶- به دنیا دلبستگی زیادی نداشت تا آرزوهایش دور و دراز باشد
- ۷- در حوادث متین و با وقار و در پیش آمدهای ناخوشایند شکیبا و در فراخی نعمت سپاسگزار بود
- ۸- خدمتگزاری بی ریا به اسلام و انقلاب
- ۹- به مال حلال قانع بود
- ۱۰- در طلب تحصیل و کسب دانش نهایت کوشش و سعی را می نمود
- ۱۱- احترام و نیکی به والدین
- ۱۲- توکل به خدا و اعتماد به نفس
- ۱۳- انجام اعمال دنیوی با قصد و هدف قرب الی الله
- ۱۴- اهتمام فراوان به برپائی نماز

خانواده شهید جهانبخش جعفری

حاج اسماعیل جعفری متولد ۱۳۰۴ و بانوی مکرمه زینب جعفری متولد ۱۳۱۱ می باشند ، هر دو متولد روستای انبارک از توابع شهرستان تنگستان و پدر و مادر شهید جهانبخش جعفری می باشند . حاج آقا جعفری در دوران کودکی مهر و صفای پدری را بعلت فوت پدر از دست داد . ولی این عامل و سایر عوامل دیگر از تلاش حاج اسماعیل نتوانست بکاهد و از شهریور ۱۳۳۰ جهت کسب درآمد روانه آبادان در استان خوزستان گردید و خود را به طوفان زندگی سپرد . روزگاری به صورت کارگری در آبادان کار می کرد تا اینکه به استخدام شرکت نفت آبادان درآمد و ۴ سال در آنجا مشغول به کار شد ولی بعد از طی این زمان از آنجا بیرون رفت . در سال ۱۳۵۹ با شروع جنگ تحمیلی تمامی اموال و خانه خود را از دست داد و برای نجات خانواده خود روانه سرزمین آبا و اجدادی خویش در منطقه تنگستان گردید .

حاج اسماعیل جعفری قبل از انقلاب فعالیتهای زیادی را بر علیه رژیم پهلوی داشته که از جمله رساله های امام خمینی (ره) که از نجف فرستاده می شود در مناطق آبادان و تنگستان پخش می نمود و در راهپیماییهایی که در شهر آبادان انجام می گرفت با داشتن مغازه و کسب و کار در هر لحظه مغازه را تعطیل و به صفوف راهپیمایی کنندگان می پیوست. در بعد از انقلاب نیز از فعالان در امر تکایا بوده بصورتی که یکی از بانی های فعال تکایای تنگستانها در آبادان بود.

مادر شهید جهانبخش جعفری نیز از مادران مهربان، بشاش روی و پاکدامن است که سالیان سال در تربیت فرزند صالح اهتمام نشان داده است.

در حال حاضر خانواده جعفری دارای ۴ فرزند پسر و ۵ فرزند دختر است که تمامی آنان ازدواج نموده اند و حاج آقا جعفری و بانوی بزرگوار ایشان نیز در قید حالت می باشند.

از خداوند توفیق روزافزون این خانواده محترم را از خداوند منان خواستاریم.

۱- هلی کوپتری که کشتی شهید جهانبخش جعفری را مورد هدف قرار داده ظاهراً از نیروهای آمریکائی در منطقه بوده است.

پیام شهید جهانبخش جعفری

شهید جهانبخش جعفری از انسانهای فداکار و هدفدار در زندگی بود که با مبارزات خود در قبل و بعد از انقلاب با آرمانهای خود معنای دیگر بخشید. شهید جعفری دنیا را محل آزمایش بزرگ انسانی می دانست که کسانی می توانند از این امتحان بیرون بیایند که زندگی را با هدف آغاز کرده و با هدف عالی آنرا به پایان رسانده باشند.

او اطاعت از خدا را اطاعت از ولایت حضرت امام خمینی (ره) و در بعد از آن اطاعت از والدین می دانست و به پدر و مادر خویش احترام بسیاری قائل بود و هرگز کاری به انجام نمی رسانید که عصیان و سرکش نسبت به والدین در آن باشد.

شهید به اصالت خانواده پاینده بودند و به مهر و الفت خانواده اعتقاد راسخ داشت و به دوستانش در زمینه مسئولیت پذیری در مقابل خانواده بارها یادآوری می کرد و به خانواده اش به کرار تاکید داشت که آنچه ما را از خواب غفلت بیدار کرد انقلاب بود مبادا حرمت انقلاب و اسوه آن حضرت امام خمینی (ره) در دور زمان به فراموشی سپرده نشود زیرا که فراموشی پیام انقلاب و آرمانهای والای پیر و مرشد دوری از خدا و در نهایت سقوط در دوره غفلت و جهالت است.

او لذت زندگی را در نماز دیده بود، به همین خاطر در شرایط سختی که برایش بوجود می آمد نماز را مشکل گشا و راه چاره آن می دانست و به این امر به معروف که خدا و رسول آن به آن سفارش کرده بودند بی نهایت ارزش قائل بود.

مصاحبه

مصاحبه با خانواده شهید جهانبخش جعفری

پدر از فرزندى سخن مى گوید که دل دریائش را به دریای بیکران حضرت دوست سپرد. او لب به سخن مى گشاید و مى گوید فرزندم جهانبخش از هر عمل و کاری که انجام مى داد قصد و هدف قرب الی الله داشت و انگیزه اعمالش را در قالب ترازوی خدای قرار مى داد.

او در دوران نوجوانی و جوانی عاشق پیامهای الهی حضرت امام خمینی (ره) بود و همین انگیزه باعث مى شد که در زمان اوج خفقان حاکم در رژیم پهلوی نه تنها علاقه خود را به امام نشان دهد بلکه با جذبیه هایی که داشت دیگران را نیز به اهداف عالیه خود دعوت کند و این کار را تا زمان دستگیری و شهادت ادامه داد.

پدر ادامه مى دهد هرگز چهره زیبای او را بدون لبخند و تبسم ندیدم زیرا که مى دیدم او در سخت ترین شرایط نیز لبهایش آکنده از مهر و صفا بود.

جایگاه و اهمیت نماز را بعنوان ارتقا^۱ انسان به سوی معبودش بخوبی درک و تفهیم مى کرد که تا جایی که در کشتی او خارجیها که اعتقادی به نماز نداشتند او را بعنوان یک انسان مومن و معتقد قبول داشتند. احسان به پدر و مادرش سرلوحه کارهای او بود با داشتن زن و فرزند در اول ورودش به خانه به ما سر مى زد و سپس به خانه خود مراجعت مى کرد. علم را دوست مى داشت و آنرا ارج مى نهاد.

خاطرات

خاطراتی از شهید جهانبخش جعفری

دوستش از خاطرات بودن با او ، اخلاقیات و سجایای ایمانی و انسانی او اینگونه سخن می گوید : شهید جعفری فردی بود که با سایر دوستانم که با آنان بودم فرق و تفاوت داشت و بیشتر این تفاوت در هدفمند بودن کارهایش و پایبندی او به اصول اخلاقی بود زیرا که به هر چیزی که انجام می داد با هدف و انگیزه که آمیخته با ترازوی خدایی بود نگاه می کرد و دوست داشت کارهایی را که به او محول می شد با دقت و سر وقت انجام دهد چه در محیط کاری در کشتی و چه در خانه و زندگی شخصی . او به مسائل خانوادگی بسیار پایبند بود و افراد خانواده اش را بسیار دوست داشت و تنهایی آنان را زیاد نمی توانست تحمل نماید .

در هنگامی که با همدیگر برای گذراندن یک دوره آموزشی روانه کشور انگلستان شدیم من در بندر لیورپول انگلستان بودم و ایشان نیز در بندر لوآستا آموزش می دید . گاهی اوقات که فرصتی پیدا می شد ما همدیگر را می دیدیم . او واقعا یک انسان پایبند به مسائل اخلاقی و ایمانی بود . با وجود اینکه فضای اجتماعی انگلستان یک محیط ناسالمی بود به پرپایی نماز یومیه و نماز جماعت اهمیت می داد و از وقت خود برای یادگیری علوم می که در دوره آموزشی برای او مشخص شده بود بسیار اهمیت و ارزش قائل بود و در آن شرایط سختی که ناشی از دوری زن و فرزندش بود با ارزش ایمانی خود این فضا را پر می کرد .

«عزیز جعفری هم‌رزم شهید جهانبخش جعفری»



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران